

به سلسله حوادث مربوط به قیام هفتم ثور



راز قتل سردار محمد داوود و خانواده اش به شهادت عروس او «گلانی داوود ملکیار»

نگاهی به مقاله داوود ملکیار

بر اساس معلومات رسانه ها، ملکیارها یک خانواده با فرهنگ و خدمتگذار مردم بوده اند. طوری که هراتیان مینویسند، عبدالله ملکیار یکی از وزرای خوب دوران سطنت بوده و هنگامی که والی هرات بود، در راه عمران شهر و بازسازی آثار تاریخی بخصوص ترمیم آبدیه های تیموریان مساعی فراوان به خرج داده است. هراتیان از «پارک ترقی» که به نام پارک عبدالله خان شهرت دارد، به تمجید یاد میکنند.

سناتور حمیرا سلجوقی همسر استاد سلجوقی یکی از زنان روشنفکر قلم بدست کشور، در جمع آوری و نشر آثار علمی، ادبی استاد سلجوقی نقش فعال داشته و در نهضت نسوان سهم شایسته گرفته است. گل احمد خان ملکیار عضو دیگر این فامیل طی سالهایی که نائب الحکومه مزار شریف (بلخ) بود در عمران این ولایت به خصوص

شهر سرپل اهتمام زیاد به خرج داد. نخستین نقشه شهرنو سرپل به تشبث او طرح و تطبیق و بنای عصری زیبای بلدیة سرپل توسط او اعمار گردید. همچنان بر مخروبه بالا حصار تاریخی سرپل در یک مکان مرتفع که به دستور تعصب آمیز محمد گل مومند با خاک یکسان شده بود، بنای مقبولی ساخت که تا چند سال دوایر دولتی آنجا کار میکردند. اما به نسبت این که بنیادهای آنرا از بیخ کشیده بودند، روبه شکست نهاد. او وظایف خود را با نام نیکنامی انجام میداد.

من این مقدمه را برای آن نوشتم که موضوع بحث ما گزارش مفصلی است که یکی از نویسندگان با صلاحیت منسوب به این فامیل محترم داوود ملکیار با استناد با ادله و شواهد غیر قابل انکار و با اتکا به چشمدید یک عضو این خانواده مرحومه گلالی ملکیار داوود دختر کلان وزیر مالیه عبد الله ملکیار، عروس محبوب سردار محمد داوود (همسر پسر ارشد او عمر داوود) جریان وقایعی را که در جریان قیام هفتم ثور در داخل قصر گلخانه ارگ در حضور او روی داده، به صفت یک شاهد زنده با تمام جزئیات بیان کرده است.

سالها قبل نویسنده خلاصه رویدادهای مربوط به قیام هفتم ثور و قتل عده ای از اعضای خانواده داوود را به نشر میرساند. او میگوید «اما نشر این وقایع بدون ذکر نام شاهد عینی برای عده ای از مخلصان و طرفداران سرسخت داوودخان قابل قبول نبود. آنها با دشنام و اهانتها خواستند از نشر بیشتر آن جلوگیری نمایند. هچنان شاهد عینی بانو گلالی نمیخواست نامش مورد اهانت و سرزنش چند تن بی پروای سبکسرفرار گیرد».

در حقیقت برخی از سرداران نشر این حقایق وحشت انگیز را که ویس داوود پسر داوودخان بنابه دستور او به کشتن زنان حرم آغاز کرده و تا میتوانسته زنان و دختران و حتی اطفال کوچک را به قتل رسانده است، توهین به مقام سرداری و غرور خانوادگی دانسته نویسندۀ را با فحش و دشنام مورد توهین قرار میدهند. آنها تصور میکنند اگر مقتولان قربانی دست قیام کنندگان هفتم ثور قلمداد شوند، برای شان مایه افتخار است، اما اعتراف به خودکشی و کشتار اعضای

خانواده، آن هم به دستور رهبرشان توسط پسرش، برای شان مایه ننگ و شرمساری است.

اما روح کنجکاو نویسنده نمیخواهد حقایق تلخ غیر قابل انکار یک واقعیت تاریخی بدست فراموشی سپرده شود و با گردآوری معلومات موثق دیگر نوشته خود را تکمیل و در رسانه ها نشر میکند.

او میگوید «این وقایع قبل از آن که راز و اسرار باشند، واقعیت‌های علنی بوده، در حضور تقریباً پانزده تا بیست نفر رخ داده است، ولی تدریجاً بخاطر احترام به کشته شدگان آنروز شکل ناگفتنی را به خود گرفته و هر قدر زمان بیشتر گذشته به همان اندازه گفتن آن مشکلتر گشته است»

اگر گزارش مذکور بیطرفانه مورد قضاوت و ارزیابی قرار داده شود، ثابت میشود هیچ انگیزه ای وجود نداشته که این شاهد عینی رامجبور بسازد تا گناه دیگران را به دوش اعضای خانواده خود بیندازد و بکوشد قیام کنندگان را که بقایای سلطنت خانوادگی را برانداخت و حاکمیت فامیلی شانرا خاتمه داد، برائت بدهد.

او میگوید که حدود ۴۳ سال قبل از سفر خود به کلیفورنیا، وقایع داخل ارگ یا رویداد های روزهای هفت و هشت ثور سال ۱۳۵۷ را بار نخست غیر مستقیم با روایت دیگری شنیده بودم که به مرگ محمد داود و بسیاری از اعضای خانواده اش انجامید.

او با اشاره به مقاله خود مینویسد: اما این روایت حاکی از چشم دید های یک شاهد عینی معتبر و صادق، از جریان وقایع داخل ارگ، در روز و شب کودتای ۷ ثور می باشد و این شاهد صادق و رنج دیده، محترمه گلالی ملکیار داوود است.

او ادامه میدهد:

برای من (داوود ملکیار) در چند سال اول اقامت در امریکا، فرصتی دست نداد تا محترمه گلالی داوود (دختر بزرگ مرحوم عبدالله ملکیار) را از نزدیک ببینم و از او مستقیماً چیزی بشنوم. اما در سال های بعد،

..... که گلالی جان به منزل ما آمده بود، در حالیکه چند نفر دور او نشسته بودیم، بدون کدام سوال، راجع به دختر های جوانش که در ارگ شهید شده بودند، صحبت را آغاز کرد و جریان کشته شدن آن عزیزان را لحظه به لحظه حکایت کرد. من هم در جریان آن صحبت، راجع به تصمیم و اقدام میرویس پسر داوود خان که بالای یک تعداد اعضای خانواده فیر کرده بود، از او پرسیدم که آیا واقعیت دارد؟ او سر خود را تکان داده و صرف گفت که: «بلی حقیقت دارد».

بر طبق روایت شاهد عینی داوودخان تا نزدیک شام در دفتر خود بود، اما بعد از شام بادیگران به منزل پایین رفتند. به وزیران و همکاران خود گفته بود: من مسئولیت این واقعه را بر عهده میگیرم. شما هرکدام میتوانید برای نجات خود تصمیم بگیرید و مجبور نیستید با من بمانید. بعد از آن یک عده وزیران مثل سید وحیدالله و تیمورشاه جان رفتند و از ارگ برآمدند. صدر اعظم صاحب وقتی صدای وطنجار را از رادیو شنید گفت: ببینید این وطنجار هم همراه شان است».

گلالی داوود ملکیارضمن صحبت میگوید: وقتی دشمن به پیش دروازه رسید ویس آمد به درون اطاق ، اول بالای کسانی که پیش ویس و نزدیک او بودند فیر کرد یعنی اول بالای زن خود و بعد بالای دو پسر خوردسال خود فیر کرد.

بعد از آن گلالی جریان فیر ویس بر او و دو دختر جوانش را بیان میکند و میگوید « وقتی خلیها درآمدند، به خیالم بابه داوود خود را همراه تفنگچه کشت» و دست خود را به شقیقه خود برده فیر تفنگچه را بر شقیقه تمثیل میکند.

داوود ملکیاربرای تکمیل معلومات خود با عده زیادی که در جریان حوادث و یا شاهد حوادث بوده و یا از اعضای خانواده شنیده اند، صحبت میکند جمله فاروق شیردل و طاهره جان سرپرستار شفاخانه

جمهوریت که زخمیان خانواده را زیر تداوی قرار داده اند. معلوماتی که آنها داده اند، با اظهارات گللی داوود یکسان است. همچنان داوود غازی نواسه سردار داوود که در آن وقت 13 ساله بوده ضمن صحبت به او میگوید: وقتی از بیرون دروازه به صدای بلند گفتند که به امر شورای انقلابی تسلیم شوید، بابه داوود در جواب شان گفت که ما هرگز تسلیم نمیشویم. او علاوکرد «او پدر لعنت که میگوید که ما از بیرون دروازه فیر کردیم و او را کشتیم، بد میکند، دروغ میگوید» او تصدیق میکند که منظورش افسر کوماندو امام الدین است.

نوسنده مقاله گردآوردن تمام اعضای خانواده داوودخان را دریک محل خطرناک- قصر گلخانه که هدف حملات نظامی بود اشتباه میداند و معتقد است که اگر آنها در خانه های خود میبودند شاید مثل دیگران زنده میماندند. این درست است زیرا قیام کنندگان یک زن را هم عمدا نکشته اند.

تصمیم رهبری حزب در مورد سرنوشت داوود خان چگونه بود؟

طوریکه در مقالات قبلی تذکر داده ام در ساعت 11 روز هفتم ثور بعد از اعلان پیروزی انقلاب تمام اعضای کمیته مرکزی در تعمیر رادیو افغانستان گردآمده بودند. ارگ در محاصره قوای 4 زره دار قرار داشت. چند لحظه بعد افسری به دستور قوماندان گارد جمهوری پیامی از طرف داوود خان به رهبری آورد که اگر قادر خان و وطنجار برای مذاکره نزد او بیایند، حاضر است تسلیم شود. اما این پیام از طرف رهبری رد شد و گفته شد که ما برای مذاکره حاضریم. تره کی این سوال را در کمیته مرکزی طرح کرد که با داوود خان چگونه برخورد شود؟ از طرف اعضای رهبری نظریات مختلف اظهار شد. ببرک کارمل، اناهیتا و نوراحمد نورجدا مخالف قتل داوود بودند و

میگفتند این انعکاس بین المللی منفی پیدا میکند. سلیمان لایق گفت «دا ملعون باید ووژل شی» یعنی این ملعون باید کشته شود و با استدلال به سرنوشت حزب انقلابی سودان که جعفر النمیری را نکشته بودند، چون نمیری به قدرت رسید تمام رهبران انقلاب را کشت و میگفت این برای ما درس س عبرت است. اما تره کی میخواست با او مذاکره صورت گیرد و به افسران گفت: در هر حال بکوشید او را زنده بیاورید! و به خیال محمد کتوازی دستور داد تا جای مناسبی در استدیوها برای مذاکره با سردار داوود آماده بسازد.

این که مرحوم میثاق گفته لایق را در کتاب خاطرات خود به پنجشیری نسبت داده، ناشی از اشتباه است. همچنان نوشته مرحوم کشتمند در کتاب خاطراتش که گویا امین از جلسه کمیته مرکزی برآمد و مدتی بعد آمد و دستورقتل را داده بود، بی اساس است. زیرا در جریان جلسه کمیته مرکزی تا رسیدن خبر قتل داوود خان هیچکس از جلسه بیرون نرفته بود. هکذا سخنانی که مرحوم جنرال قادر طی یک مصاحبه تلویزیونی که اراده داشت به ملاقات داوودخان برود، حقیقت ندارد. زیرا او در محل چنارمرکز قوای هوایی قرارداداشت و فعالیت پیلوتان را رهبری میکرد و به مرکز رادیو نیاده بود.

مختصر این که داوود ملکیار کوشیده واقعیتهای حوادث روز هفتم و هشتم ثور را از زبان چند شاهدعینی، بخصوص عروس محبوب سردار محمد داوود – همسرپسر ارشدش عمر داوود، نواسه اش داوود غازی، با کمال بیطرفی و عواطف انسانی بازگو نماید.

باآنکه این وقایع وحشتناک به تواتر اثبات شده و قساوت قلب داوود خان و پسرش را در قتل بیرحمانه اعضای خانواده نشان میدهد، خانواده و سرسپردگان او میکوشند با استفاده از تمام امکانات و

رسانه های گوناگون، این حقایق تلخ را وارونه جلوه بدهند و قیام
کنندگان هفتم ثور را مسئول قتل داوود و اعضای خانواده اش بدانند.

دوام دارد